



ایستاده اند، راه بیفتند. «محمد حریمی»، مسئول غرفه، می گوید: «همه مابه عشق امیرالمؤمنین (ع) اینجا هستیم». خودش سال های سال است که دل بسته مجالس اهل بیت (ع) است. می گوید: «اگر یک قدم به سمت ائمه برداری، آن ها قدم به سوی می آیند». محمد بعد از ۱۴ سال صاحب فرزند شده است. اسمش را فاطمه می گذارد و معتقد است که هر کس باید توی خانه اش یک فاطمه داشته باشد. تولد فرزندش را بعد از سال ها، کرامت ویژه حضرت می داند و می گوید: «همه می دانند که من دخترم را از همین مجالس دارم».

آن ها برای امشب حدود دوتن طالبی را آماده کرده اند و برآورد می کند که با آن بتوانند از حدود ۱۵ هزار نفر پذیرایی کنند.

هدیه خوش خبر عضومی پذیرد

شاید یکی از فضا های شاد، غرفه ای باشد که در آن عمورو حانی و هدهد خوش خبر در حال اجرای برنامه برای بچه ها هستند؛ برنامه ای که هر شب جمعه برای بچه های ۴ تا ۱۴ سال برگزار می شود و با اجرای نمایش، مفاهیم دینی را به کودکان منتقل می کند. آنچه رضا ورسته هم بر آن تأکید می کند، سرمایه گذاری ویژه مجتمع برای بچه هاست، چون آن ها معتقدند که بچه ها را باید از پایه با دین آشنا کرد و باید با زبان خودشان با آن ها حرف زد تا مفاهیم، درست به آنان منتقل شود.

در این غرفه، بچه ها با موضوع عید غدیر نقاشی می کشند و مطلب می نویسند و جایزه می گیرند. برنامه هدهد خوش خبر با ۱۰ نفر شروع شده و حالا به ۱۵۰ نفر رسیده است. آن ها امیدوارند که برنامه امشب، بچه های دیگری را هم با این برنامه آشنا کند تا اعضای آن را به ۳۰۰ نفر برسانند. به بچه هایی که در دوره مشارکت فعال داشته اند، قرار است دو چرخه و پلاک طلا هدیه شود.

همه آمده اند

حدود ۷۰ نفر از جوانان هلال احمر امشب به مجتمع آمده اند تا تست فشار و قند خون و BMI را اجرا کنند و به مردم در مورد نکات پزشکی و ایمنی مشاوره بدهند. سید جلال الدین موسوی می گوید: «اینجا فضایی مهیا شده تا بتوانیم از نزدیک با مردم ارتباط بگیریم و با فضا سازی و بازی ها و نقاشی هایی که برای بچه ها داریم، فضای شادی را برایشان فراهم کنیم». غرفه شربت

هم آن طرف خیابان
برپاست تا عطش

کنند. یک نفر بادنک را با دستگاه، باد می کند و سه نفر سر بادنک ها را می بندند و دو نفر آن ها را به بچه ها می دهند. بادنک های سبز، قرمز، آبی، صورتی و زرد یکی یکی به دست بچه ها می رسند. می شود بادنک ها را شمرد تا فهمید که چه تعداد کودک در اینجا هست. حضور بچه ها پر رنگ است. از هر سنی هستند. بادنک ها تمام خیابان را گرفته است تا حال و هوای اینجا را رنگی و بانشاط کنند. آدم بزرگ ها هم اگر چه بادنک ندارند، نگاهشان به دنبال آن ها راه می رود. امشب ۱۰ هزار بادنک به دست ۱۰ هزار کودک می رسد و چه کاری مهم تر و جدی تر از خوشحالی بچه ها؟

سالمانی جشن!

فضای متفاوتی دارد. انگار که یک دفعه از هیاهوی بیرون به یک مغازه سلمانی آمده باشی. دارند با آرایش کارشان را انجام می دهند و نظر مشتری را هم می پرسند. در غرفه آرایشگاه مردانه، کسانی منتظرند تا روی صندلی بنشینند و موهایشان را به قیچی سلمانی بسپارند. پسر نوجوانی نشسته و به این زل زده است تا ببیند چطور میان باز و بسته شدن قیچی، موهایش مرتب می شود. «مهدی خواجهی» چند سالی هست که در اعیاد و مناسبت ها خدمت می کند. او امسال هم به مجتمع امیرالمؤمنین (ع) آمده تا همراه دو نفر دیگر اینجا را رونق بدهد. عرق از سروریش می ریزد و حتی وقت ندارد لیوان شربتی را که جلویش گذاشته اند، سر بکشد. دلش می خواهد از هنرش استفاده کند تا نوجوانان را با اهل بیت (ع) آشنا کند. چند سال پیش بد جور دلش هوای نجف داشت ولی جور نمی شد که برود. بالاخره دلش می شکند و به آقا می گوید: «اگر مرا تظلیلید، دیگر به مجلس استان نمی آیم». ولی انگار آقا خیلی دوستش داشته که به او توفیق داده است سه سال پی در پی ایوان نجف را ببیند. حالا ارادتش بیشتر شده و پای ثابت مجالس مولاست.

کار پسر تمام شده. موهای دور گردنش را تمیز و پیش بند را باز می کند. مادرش تشکر می کند و می گوید: «اجرت با امیرالمؤمنین (ع)؛ زحمت کشیدی».

فرزندم از مجالس اهل بیت (ع) دارم

چند متر دور تر از غرفه، بوی طالبی فضا را پر کرده است. حدود ۲۰ نفری اینجا مشغول به کارند تا آب طالبی به دست مردم برسانند. اینجا هم مثل همه غرفه های دیگر شلوغ است و خادمان در تکاپویند تا زودتر کار

افرادی که در صف

را در سی سالگی دارد، از لطف ائمه به خودش می داند. او بیش از ۱۵ سال است که پایش به هیئت باز شده است و از تمام توان و نیرویش مایه می گذارد تا کار اهل بیت (ع) پایگیرد.

پارسال ۷ هزار ساندویچ به دست مردم رسانده اند. امسال هم به عشق امام علی (ع) و با همت دیگر همراهانش می خواهند ۱۴ هزار ساندویچ آماده کنند.

علی از دوستان آبادانی اش دعوت کرده که به مشهد بیایند و در این کار همراه آن ها باشند. «فاضل جعفریان» سرپرست گروه هفت نفره ای است که از آبادان و خرمشهر به مشهد آمده اند تا برای نشان دادن ارادتشان به اهل بیت (ع) سنگ تمام بگذارند.

آن ها دو مین سالی است که عید غدیر را میهمان مشهدی ها شده اند و به نوعی میزبانان هستند. می گوید: «کار برای اهل بیت (ع) خستگی ندارد. عشق که بیاید، خستگی می رود». دوسه روز است که شبانه روز، تلاش می کنند تا همه چیز را مهیا کنند. آن ها پارسال قرار بوده به جای فلافل، دیگ شله بزنند ولی وقتی استقبال مردم را می بینند، امسال هم با ظرفیت بیشتری همان برنامه فلافل را تکرار می کنند.

پذیرایی با پفیل

شاید باورتان نشود که جشنی باشد و در آن پفیلا توزیع شود. پفیلی که همراه همیشگی سینما رفتن و فوتبال دیدن و کوه رفتن است، حالا به شب عید غدیر آمده است تا لیخنند را به لب کودک در رومان بیاورد. نایلون های پفیل کنار هم چیده شده است و چند نفری که توی غرفه هستند، آن ها را درون لیوان می ریزند و به دست کسانی که در صف ایستاده اند، می دهند. افراد غرفه ترکیبی از نوجوانان و جوانان هستند که حساسی سرشان گرم پذیرایی از میهمانان غرفه است. «ضامنطری» می گوید: «برای خوشحالی بچه ها در شب عید، این کار را می کنیم». ولی انگار بزرگ ترهای زیادی هم هستند که با پفیلا خاطره دارند و در صف ایستاده اند تا ذرت از دست خادمان بگیرند. بساط پخت ذرت هم آماده است تا اگر پفیل ها تمام شد، خودشان دست به کار شوند. آن ها حدود صد کیلویی ذرت آماده دارند.

رضا در طول سال های طولانی ای که به اهل بیت (ع) خدمت رسانی می کند، با تمام وجود کراماتشان را لمس کرده است و تمام زندگی اش را مادیون آن ها است. داستان از دو اوجش را که می گوید، بیشتر باور می کنی که چرا این قدر ارادتش خالصانه است. ماجرا از این قرار است که خانواده همسرش به مسئولان هیئت مراجعه می کنند تا گزینه خوبی را برای ازدواج به آن ها معرفی کنند. از میان چند گزینه، قرعه به نام رضای افتد تا داماد آن خانواده شود و حالا سیزده سالی است که او و همسرش همراه یکدیگر هستند و او این موضوع را از لطف اهل بیت (ع) می داند.

بادکنک قرمز می خواهم

مدام پشت سر هم می گوید: «بادکنک قرمز می خواهم». متصدی غرفه بادنک آن قدر سرش شلوغ است که وقت ندارد به سؤالاتمان پاسخ بدهد. بچه ها توی صف ایستاده اند و منتظر که نوبتشان شود. این وسط بزرگ ترهایی هم به چشم می خورند که شاید به اصرار فرزندشان، منتظر ایستاده اند تا یکی از این آرزوهای بادی را به دست کودکشان برسانند. برای بچه ها آن قدر این موضوع مهم و جدی است که می خواهند رنگ بادنک را هم طبق نظر خودشان انتخاب



حدود ۷۰ نفر
از جوانان
هلال احمر
امشب به
مجتمع
آمده اند تا
تست فشار
و قند خون و
BMI را اجرا
کنند و به مردم
در مورد نکات
پزشکی و
ایمنی مشاوره
بدهند

